گرامی باد خاطره رفقای قهرمان گروه "آرمان خلق"

"**آرمان خلق**" نامی آشنا در تاریخ مبارزات مردم ماست. در اواخر سال های دهه چهل، جنبش انقلابی خلق های ایران در حال ازسرگذراندن نقطه عطف بزرگی بود. در ورای سرکوب و خفقان جهنمی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، در شرایطی که رژیم جنایتکار در انظار توده ها مطلقا شکست ناپذیر می نمود و از سوی دیگر در ورای این فضای خمودگی و یأس در بطن جامعه ایران، کشوری که از طرف ارباب بزرگ شاه (امپریالیسم امریکا) جزیره ثبات و امنیت نام گرفته بود، عنصر جدیدی در حال نضج و شکل گیری بود. مبارزه مسلحانه به عنوان شکل نوینی از مبارزه و به مثابه یک ضرورت تاریخی در حرکت عناصر و گروهای واقعا انقلابی که از شکست شیوه های های پیشین مبارزه درس گرفته بودند، متجلی می شد. مبارزه ای که در یک پروسه کوتاه تأثیرات شگرف و همه جانبه خود را در دگرگونی فضای سیاسی حاکم بر جامعه ایران بر همگان آشکار ساخت.

با رستاخیز سیاهکل و به دنبال آن تولد سازمان "چریک های فدائی خلق" به زودی شبح سرخ مبارزه مسلحانه نه تنها "جزیره ثبات" امپریالیسم را دچار طوفانی بنیان برانداز نمود، بلکه در صفوف محافل، گروه ها و سازمان های سیاسی موجود نیز موجد آن چنان شکافی شد که خیلی زود حساب عناصر فرصت طلب و اپورتونیست با محافل و گروه های صادق و انقلابی روشن گردید. فصل انقلابی نوینی در جنبش ضدامپریالیستی میهن مان آغاز شده بود و بدین ترتیب بخشی از نیروها با درک عمیق وضعیت موجود و برخورداری از عنصر صداقت و شهامت انقلابی، برای تغییر چنین اوضاعی دست به کار تدارک و انجام مبارزه مسلحانه به عنوان تنها راه نیل به آزادی بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش شدند. در این پروسه به دلیل بی تجربگی و جوانی جنبش، بسیاری از آنان در همان مرحله اولیه رشد و شکل گیری این جنبش نوین، زیر ضربات دشمن قرار گرفته و خون خود را ضامن و وثیقه تداوم این روند انقلابی کردند.

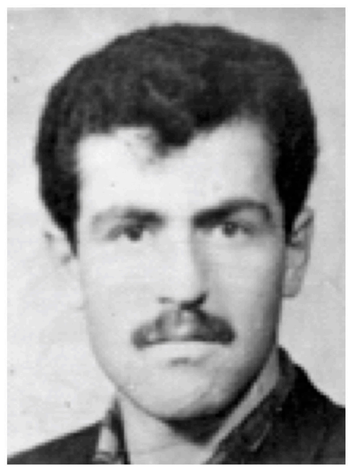

رفیق ناصر کریمی

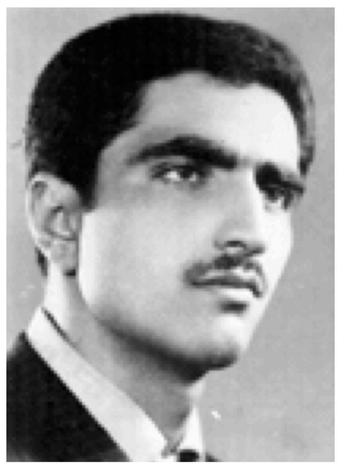

رفیق همایون کتیرائی

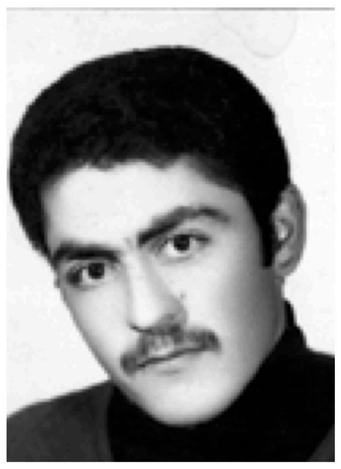

رفیق حسین کریمی

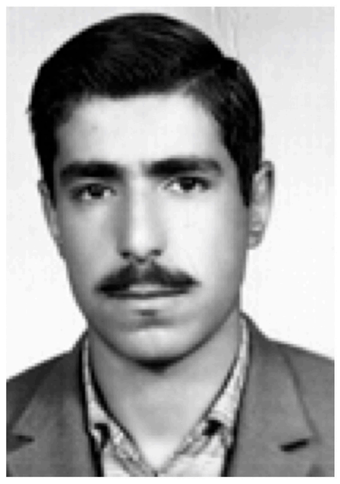

رفیق بهرام طاهرزاده

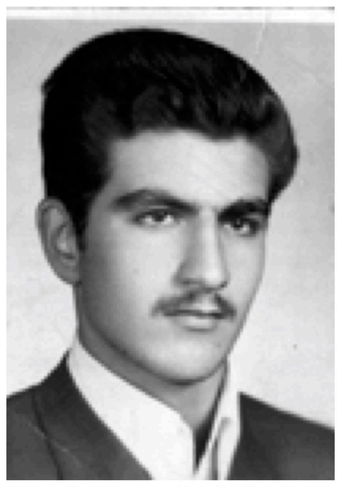

رفیق ناصر مدنی

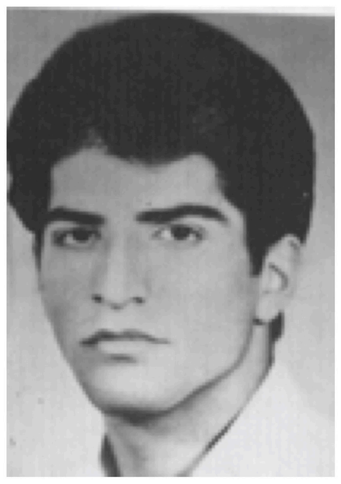

رفیق هوشنگ ترگل

گروه "آرمان خلق" از لرستان نیز از زمره فرزندان آگاه و انقلابی و پاکباخته خلق های ایران بودند. که با تعهدی که در مقابل کارگران و زحمتکشان در خود حس می کردند در پروسه تحول فکری خود ضمن برخوردی جدی با مسائل و تجربیات مبارزاتی آن روز دریافته بودند که برای راهگشائی در امر مبارزه و شکست بن بست موجود، و برای مقابله با سرکوب همه جانبه رژیم مزدور شاه، باید دست به اسلحه برد و چهره جنایتکار امپریالیسم را در کشور تحت سلطه مان به طور واقعی افشاء کرد. این گروه متشکل از رفقا همایون کتیرائی، هوشنگ تره گل، ناصر کریمی، بهرام طاهرزاده، ناصر مدنی، حسین کریمی و چند رفیق دیگر بود و درست با درک وظایف انقلابی خود تا مقطع ضربه خوردن و دستگیری اعضاء، دست به طرح و اجرای چند عملیات مسلحانه از جمله دو مورد مصادره انقلابی از بانک های رژیم زد. در جریان این فعالیت ها بود که رفیق حسین کریمی در دوم فروردین سال ۵۰ در منطقه نیروی هوائی تهران طی یک درگیری مسلحانه با نیروهای سرکوبگر شاه به شهادت رسید. و این در شرایطی بود که گروه تماما می کوشید با چریک های فدائی خلق ارتباط بگیرد. و بالاخره نیز ارتباط این رفقا از طریق تماس رفیق فراموش نشدنی همایون کتیرائی با سازمان، برقرار گردید ولی این ارتباط هنوز در مراحل اولیه خود بود که آن رفقا دستگیر شدند.

جنبش مسلحانه در این زمان در تمامی صحنه های مبارزه انقلابی، از جمله در سیاهچال ها و بیدادگاه ها نیز، آنچنان سنت های درخشان و خونینی را پایه می نهاد که حتی مزدوران جیره خوار امپریالیسم را به اعجاب واداشته بود. رفقای آرمان خلق چه در زندان ها و چه در بیدادگاه های رژیم جنایتکار پهلوی جلوه ای از روحیه تسلیم ناپذیری و پیکارجوئی را به نمایش گذاردند. به گونه ای که تنها به عنوان یک نمونه، حماسه پایداری و مقاومت رفیق همایون کتیرائی در مقابل شکنجه های وحشیانه دژخیمان ساواک، صفحه پرافتخار و سرخی را در تاریخ جنبش ضدامپریالیستی خلق های ما رقم زد تا جایی که در اکثر موارد، این رفیق هنگام شکنجه های وحشیانه، مزدوران را حتی در حسرت شنیدن ناله خود ناکام می گذاشت. به زودی آوازه مقاومت و تسلیم ناپذیری و پیکارجوئی مبارزین آرمان خلق در زندان پیچید و در این میان روحیه مبارزاتی رفیق همایون در زندان، کوشش مدام او در سازماندهی زندگی جمعی در بندها و سعی ای که او برای تقویت روحیه مبارزاتی رفقایش می نمود باعث شد که زندانیان مبارز همواره از او به عنوان یک انقلابی تمام عیار نام ببرند. و حتی به خاطره استقامت و پایداری همایون در زندان های شاه در ورزش های دستجمعی حرکتی به نام "حرکت همایون کتیرائی" نام گذاری شد و به این ترتیب زندانیان آن زمان هر روز در جریان ورزش دستجمعی خود یاد او را پاس می داشتند.

سر انجام رژیم جیره خوار شاه که از شکستن روحیه و تسلیم نمودن رفقا ناامید شده بود، بنا به سرشت ذاتی خود در بامداد روز ۱۷ مهر سال ۵۰ رفقا کتیرائی، طاهرزاده، کریمی، تره گل و مدنی را به جوخه های اعدام سپرد و بدین ترتیب خلق های ایران را در غم از دست دادن فرزندان انقلابی خویش سوگوار ساخت. آنها شهید شدند، اما خلق های ما هیچگاه خاطره جانبازی ها و دلاوری هایشان را در پیکار با امپریالیسم و سگهای زنجیریش فراموش نخواهند کرد.

یادشان گرامی و راه شان پر رهرو باد!